

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید عطا

۰۴.۰۸.۱۰

تجارت دموکراسی !!

هیچ شکی نیست که امریکا و اروپا (تا همین دم) بزرگترین تمویل کننده بازار احتیاجات کشور های دیگر و از آن جمله کشور های عقب افتاده و به اصطلاح جهان سوم میباشد. درین بازار، آنها و به خصوص امریکا از هر خورد و بزرگ مادی تا مسایل معنوی و فکری را ظاهراً با سخاوت و دست باز عرضه میدارند.

جزء این کالا های صادراتی، امتعه چون دموکراسی، آزادی، حمایت و دفاع از حقوق بشر و ... و ... است که باجان و دل و اخلاص ! تمام میخواهند آنرا برای این کشور های بی سر و سامان بفرستند بلکه آنرا چون سیروم در رگ جانشان بیریزانند.

افغانستان و عراق هم دو کشوری اند که طالع و بختشان یاری کرد تا از این متاع کمیاب و سخاوتمندانه فرستندگان به ویژه امریکا مستفید شوند. امریکا و در رکابشان اروپا بر بالهای جنگنده های هولناک و تانک های غول پیکر شروع به پیاده کردن این متاع به این دو کشور کردند.

همانگونه که بازار کشور های جهان سوم مملو از اجناس تقلبی است، آیا این متاع وارد شده نمیتواند تقلبی باشد؟، گرچه مصدر آن کشور هائی اند که در دموکراسی و مبارزه با مواد تقلبی سرآمد در کره زمین اند.

وقتی ما به شکل کمی دقیق و سریع به این صادرات دقت کنیم متوجه میشویم که آنچه را به جسم این دو کشور به نام سیروم نجات چسبانده اند چیزی جز از مواد تقلبی و زهری نیست. آنچه را که مردم ما در انتظار آن بیهوده عمر به سر میکنند هرگز به سراغشان نیامده، بلکه انسان را گهگاهی و امیدارد تا بگوید همان حالت نیمه جان قبلی بهتر بود از این تداوی مهلک و تباهکن!

در افغانستان از این تحفه در طول تقریباً ده سال، قتل و دمار و یأس، میوه چیدیم. وضعیت عمومی روز به روز بد تر و خراب تر شده میرود. این بدبختی ها آنگونه که دیده میشود تنها در نسل موجود بسنده نکرده بلکه ارمغان آن در اثر استفاده از مواد سمی و خطرناک برای نسلهای دور آینده نیز به میراث میرسد.

قوت های مخالف و جنگنده که در اوائل چندان مشهود و قابل دید نبودند، امروز در تمام نقاط کشور ریشه دوانیده اند. امنیت افراد حتی در بطن پایتخت هم برقرار نیست. خرده گروه های جنائی در پهلوی گروه های منظم جنگی

مخالفین آنچه را بخواهند در داخل شهرها از دزدی، اختطاف و قتل انجام میدهند. که برای حمایه این باندهای جنائی برده ای به نام حقوق بشر کشیده شده تا مانع تطبیق اشد مجازات برای این جانینان که خواب و راحت هموطنان را در شهرها به یغما برده اند، گردند، تا عبرتی باشد به دیگران.

اتهام تا اعتراف کمک تسلیحاتی به مخالفین مسلح در داخل کشور (البته زیر عنوان اشتباه در هدف)، اتهام و شکوک در فراهم آوری تسهیلات نقل و انتقال مخالفین از محلی به محلی، به هدر دادن اموالی که به نام کمک به افغانها داخل افغانستان میگردد، بیرون بردن دوباره اسعار توسط خارجیان و همکاران افغان شان (چنانچه آقای زاخلوال در کنفرانسی به آن انگشت گذاشت)، دخالت سفراء و حتی نمایندگان عادی کشورهای دیگر در مسائل ملی و داخلی تا حدی که آقای کرزی خود را در کشور خود مهمان توصیف کرد، و یا آقای الکو لوی خارنوال مبنی بر دستور دهی های سفیر امریکا بیان داشت، قتل های جمعی روستانشینان که احیاناً و خیلی اندک اعتراف به "اشتباه" و آنهم بدون هیچ پی آمدی به آن، صورت میگیرد، بیبایکی سربازان و مزدوران جنگی شان که زیر ستر مامورین امنیتی وارد کشور شده اند در برابر شهروندان در داخل شهرها، تقویه نهادهائی مشکوکی زیر نامهای رنگ رنگ در برابر حکومت، نشاندهنده چیزی است که از اول خط با دموکراسی و حقوق بشر در تعارض است. صرف نظر از اینکه قیمت و ارزش زندگی یک انسان افغان را هم به دو هزار دلار!! نرخ گذاری کرده اند،... مبارک باد !!

مسأله حکومت و سیستم انتخابات و احترام به آراء مردم که نقطه برجسته در بحث دموکراسی است را هم میشود بر اعمال ذکر شده قیاس کرد. و آینده های نزدیک را جز سیاهی چیزی دیگری مبشر نیست.

اما در عراق از این تحفه شان مرگ های و حشتناک، در بدری، فقر، شعله ور شدن جنگهای مذهبی و قومی (که احتمالاً در مورد افغانستان هم آماده برای تطبیق در هر لحظه میباشد)، اعدام های منظم و بیشمار توسط حکومتی که خودشان آنرا نصب کردند، و پشت پازدن به قانون اساسی در زیر چشمان و سایه دستان این صادر کنندگان دموکراسی، استفاده کردن از قوت سلاح و باندهائی که در آنسوی مرزها (آنهم خصم) ریخته و بسته شده اند در به کرسی نشاندن اهداف رهبران و بزرگان این گرهها، هرگز نمیتواند با دموکراسی اصلی جور آید. چنانچه همگرانی های در ظاهر دو دشمن در مسائل عراق و احیاناً افغانستان حیرت انگیز است.

در آنکشور چندماهی است که از انتخابات میگذرد، یکی از جناحهای داخل نظام که اکثریت را برنده شد تا حال نتوانسته که از حق دستوری اش به خاطر تشکیل حکومت استفاده نماید، و باز هم در این میان امریکا نه حرکتی میکند و نه اشکی برای پیاده شدن دموکراسی میریزاند. دموکراسی که زیر نام آن کشوری را به خاکدان برابر کردند، در ظرف کمتر از یکدهه (هفت سال) دموکراسی وارداتی، چند مراتب بیشتر از سه دهه دوره دیکتاتور! بعضی، سر آدم عادی آنکشور را خورد.

این است ارمغان دیموکراسی که برای ما و دیگران، امریکا و حلفای دنباله روش وعده کرده بودند. حقوق بشری که دهل آن گوش هارا در نقاطی کر میکند اما در نقاطی و حالاتی دیگر توسط همین مدعیان زیر پا میشود. از فلسطین اصلاً نمیخواهم بگویم چون صحبت در مورد فلسطین و کار کرد اسرائیل "مقدس!" در فرهنگ آنان جرمی است نا بخشودنی! از تصدیر انواع اسلحه مخرب به طرفهای جنگی در نقاط مختلف هم نمیخواهم چیزی بگویم چون آنجا قضیه تجارت آزاد مطرح است! از حمایه حکومت دیکتاتوری در کل عالم، و از جمله در منطقه و کشورهای عربی هم یادی نمیکنم، چون مردم این کشورها سزاوار دموکراسی نیستند! از آزاد بودن و نجات

سران القاعده که به نام شان دنیا لرزانده میشود هم چیزی نمیگویم چون آنها شاید از تخنیک بلند تر و امکانات فویتری نسبت به این ابر قدرت های عصر برخوردارند! و یا هم پروژه هایشان به اتمام نرسیده است...

وقتی به یاد می آید که جورج بوش (پدر) در صحبت تلویزیونی ، در اواسط دهه نود میلادی به طرف مقابل خود در آن صحبت میگوید : اکنون ما در پی یافتن دشمنی هستیم که جای کمپ سوسیالیزم و بلاک شرق را بگیرد...!

و یا بگفته های آن بانوی فرشته صفت!!، کوندالیزا رایس که پیام " آشفتگی و اضطرابات متمر " را (البته که میوه چین خودشان اند) در منطقه داده بود فکر میکنم ، یقینم میشود که ما را از تحفه دموکراسی و حقوق بشر ایشان، جز دریای خون، وطن خراب و آینده مجهول و سیاه چیزی بهره ای نیست . چون عاقلانه نیست آنکه خودش چیزی را انجام نمیدهد دیگران را بتواند به آن وادار کند. برای درک بهتر میشود از این دفتر قطور برگه های کوچکی را به نام گوانتامو، ابو غریب و بگرام خواند...

این تاجر، گندم نماهای جو فروشی بیش نیستند. و برای تحقق اهداف شان چه بسا که از فامیل خودما یا از همسایه های ما اجیری را استخدام کنند، که کرده اند. شاید بتوان این مطلب را در صفحات بر ملاشده (قصدا و یا بدون آگاهی مسئولین) در سایت " ویکی لیکس " هم پیدا کرد.

چه آش هائی که برای ملت های دربند کشیده شده و بی اختیار رشته اند؟!.